

اهمیت و ضرورت دوستی برای کودکان و نوجوانان

ماندانا سلحشور
کلرشناس روان‌شناسی بالینی



- چگونه باید از قوانین و مقررات جمعی پیروی کنند؟
 - چگونه باید در شرایط مختلف تصمیم‌گیری کنند؟
 - چگونه باید رقابتی سالم با دوستانشان داشته باشند؟
 - چگونه باید هیجان‌های مختلف خود (مثل: ترس، خشم، عصبانیت و ...) را در جمع کنترل کنند؟
 - چگونه باید شکست‌ها، ناکامی‌ها و کمبودهایشان را تحمل
- دوستی به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های عاطفی - اجتماعی خود را گسترش دهند. آن‌ها از داشتن روابط صمیمی و نزدیک با همسالانشان، به نکته‌ها و ارزش‌هایی بی‌می‌برند که نمی‌توانند آن‌ها را از روابط خود با والدین و اعضای خانواده خود بیاموزند. برای مثال، آن‌ها یاد می‌گیرند که:
- چگونه باید با افراد اجتماعشان رفتار کنند؟

۳۶

پژوهش

په ماهانه آموزشی تربیتی
خرداد ۱۳۸۷
شماره ۳۴۴

کنند؟

● چگونه باید ...

کودکان از بودن در جمع همسن و سالانشان به حس تعلق و ارزشمندی دست پیدا می‌کنند و همین امر موجب افزایش عزت نفس آن‌ها می‌شود. دلگرمی و حمایتی که کودکان از سوی دوستانشان دریافت می‌کنند، قدرت صبر و بردباری آن‌ها را در سازگاری با محیط‌های ناآشنا و غریبه (مثل: رفتن به مدرسه، ورود به مرحله نوجوانی، مقابله با فشارها و ناکامی‌ها و ...) را افزایش می‌دهد.

در حقیقت، دوستی یکی از عوامل مؤثر در سلامت و بهداشت روانی کودکان و نوجوانان است. آن‌ها از طریق داشتن روابط صمیمانه با دوستانشان، حس همدلی و نوع دوستی را در خود پرورش می‌دهند. آن‌ها در جمع دوستانشان، استعدادها و ویژگی‌های خود را بهتر می‌شناسند و جایگاه خودشان را در جمع بهتر پیدا می‌کنند. آن‌ها از طریق مشاهده همسن و سالانشان به شباهت‌ها و تفاوت‌های خود با آن‌ها پی می‌برند. تحقیقات نشان می‌دهند کودکانی که در جمع بزرگ می‌شوند، کمتر دچار مشکلات ارتباطی می‌گردند. از طرف دیگر، کودکانی که در دوست‌یابی مشکل دارند، بیشتر احساس تنهایی و طرد شدن از سوی دوستانشان می‌کنند و در سازگاری با محیط‌های آموزشی ناتوان‌ترند (رُز و اشرف، ۲۰۰۰).

به‌طور کلی، دوستی برای کودکان و نوجوانان دارای فواید بی‌شماری است، از جمله:

- ارضای نیاز فطری کودک به داشتن روابط اجتماعی.
- کسب اعتماد به نفس.
- تبادل دانش اجتماعی.
- افزایش شناخت اجتماعی.
- ایجاد مصاحبت بین بچه‌ها و برخورداری از حمایت اجتماعی.

مراحل اجتماعی شدن کودکان

کودکان از همان ماه‌های آغازین تولد خود تلاش می‌کنند تا با گرداندن سرشان به سوی صدای سخن گفتن اطرفیانشان با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. هم‌چنین می‌کوشند هنگام بیداری از طریق برقراری «تماس‌های چشمی» و با تقلید از حرکات چهره افراد، نظر آن‌ها را به خودشان جلب کنند. تعاملات ظریفی که کودک با محیط پیرامونش برقرار می‌کند، نشان می‌دهد که او قادر است وابستگی‌های عمیق عاطفی بین خود و اطرفیانش به وجود آورد.

کودکان تا قبل از یک سالگی به‌ندرت ارتباط معنادار با سایر کودکان برقرار می‌سازند. برای مثال، اگر دو کودک نه ماهه را روبه‌روی یکدیگر بگذارید، آن‌ها به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی عروسک و اسباب بازی‌اند؛ به هم خیره نگاه می‌کنند،

برای هم صدا در می‌آورند و موهای هم را می‌کشند. گروهی از آن‌ها هم اساساً اعتنایی به دیگری نمی‌کنند و ساکت و آرام می‌نشینند.

از حدود دو سالگی به بعد اولین ارتباط‌های معنی‌دار میان کودکان برقرار می‌شود. البته دوام این ارتباط بسیار کوتاه است (در حد چند دقیقه بازی). ولی از این مرحله سنی به بعد است که کم‌کم نشانه‌هایی از همکاری، مشارکت و رعایت نوبت در بازی آن‌ها پیدا می‌شود. شایسته ذکر است که این گروه از کودکان مدام با هم بازی خود در حال کشمکش و جرو بحث هستند، تا حدی که سرو صدا و جنجال آن‌ها منجر به قهر و گریه می‌شود. در این گونه موارد، والدین می‌توانند با میانجیگری‌های عاقلانه خود و تشویق کودکان به صبر و خویش‌داری، دوستی و تفاهم را دوباره بین آن‌ها برقرار کنند و موجب شوند که رابطه بین آن‌ها صمیمی‌تر و پایدارتر شود.

اغلب کودکان پیش دبستانی، دوستان خود را از بین ۱۰-۱۵ نفر انتخاب می‌کنند. آن‌ها در عین آن که با همه بچه‌ها رابطه‌ای دوستانه دارند، ولی تنها با یکی دو نفر از آن‌ها نزدیک‌تر و صمیمی‌تر می‌شوند. اغلب دوستی‌های دوران خردسالی بر پایه فعالیت‌ها و بازی‌های مشترکی است که با هم انجام می‌دهند و کمتر به جنبه رابطه کلامی با یکدیگر توجه دارند. کودکان اجتماعی در برقراری روابط جمعی با همسن و سالان خود تلاش بیشتری می‌کنند و سعی دارند که به وسیله آن‌ها پذیرفته شوند.

در طی دوران مدرسه نیز اغلب کودکان با بچه‌هایی دوست می‌شوند که علائق و سرگرمی‌های مشترک داشته باشند. در این دوره بیشتر کودکان تمایل دارند که روابط گروهی‌شان را گسترده‌تر کنند و بهترین دوستان برای آن‌ها، کسانی‌اند که روابط جمعی خوبی با سایرین برقرار سازند. برای مثال، در گروه فعال‌تر باشند، از بودن در جمع سایر کودکان احساس رضایت و شادمانی کنند و ... به‌طور کلی، دوست‌ها برای آن‌ها کسانی‌اند که با هم بازی می‌کنند، با هم کاری انجام می‌دهند، با هم حرف می‌زنند و با هم شریک می‌شوند. هم‌چنین دوست‌ها با هم خوش‌رفتارند، به کمک هم می‌آیند و از همدیگر حمایت می‌کنند. گاهی مشکلاتی که در گروه‌های دوستی کودکان به وجود می‌آید، ناشی از روابط بین فردی آن‌هاست. مثل، قهر و اشته، تحکیم دوستی و ترس از قطع رابطه. در مواردی هم اختلاف‌های آنان ناشی از نوع جنسیت آن‌هاست. اغلب دخترها ترجیح می‌دهند با دخترها و اغلب پسرها ترجیح می‌دهند با پسرها هم‌بازی شوند. این تفاوت‌ها در بازی‌های گروهی بیشتر مشاهده می‌شود. هر دو جنس سعی می‌کنند در انتخاب هم بازی و نوع بازی، تابع جنسیت خود باشند. گروه‌های دوستی دخترها اغلب کوچک‌تر از گروه‌های دوستی پسرهاست و این امر موجب می‌شود که دخترها نسبت به

پسرها روابط دوسی محدودتری داشته باشند. این نوع گریس دوست تا اوایل دورهٔ نوجوانی نیز ادامه پیدا می‌کند. از حدود ۱۵-۱۶ سالگی به بعد، نوجوانان بیش‌تر از آن‌که تابع نظرها و راهنمایی‌های والدین خود باشند، تابع نظرهای دوستانشان می‌شوند. گروه‌بندی‌های آنان براساس وضعیت ظاهر، مهارت‌های ورزشی، موفقیت‌های تحصیلی، موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده، استعدادها، توانایی جذب توجه یا حتی بی‌هدف بودن شکل می‌گیرد. برخی از نوجوانان نسبت به نظریات دوستانشان بی‌نهایت حساس‌اند تا حدی که اگر از سوی آنان طرد شوند، تأملات‌ها افسرده و پریشان می‌گردند. در سال‌های ابتدای نوجوانی، این ایده‌ها دربارهٔ دوستی دستخوش تغییرات زیادی می‌شود. در این دوره، نوجوانان تازه با

۱۷-۱۶ ساله تنها یک سوم وقت آزاد خود را با دوستانشان می‌گذرانند. اگر روابط دوستی آن‌ها براساس باورها و ارزش‌های اخلاقی درستی بنا شده باشد، دوستی‌شان پایدارتر خواهد بود و به احساس و دیدگاه‌های یکدیگر بیشتر احترام خواهند گذاشت.

دوست‌یابی

اغلب کودکان همیشه به دنبال یافتن هم‌بازی و دوست برای بازی کردن هستند. هر چه عدهٔ دوستان آنان در دوران کودکی بیش‌تر باشد، در دوران بزرگسالی برای دوستی ارزش بیش‌تری قائل می‌شوند. تقریباً ۷۵ درصد کودکان ۱۳-۵ ساله خود را درگیر دوست شدن با همسالانشان می‌کنند و تقریباً ۹۰-۸۰ درصد نوجوانان، ۳-۲ نفر از بهترین دوستانشان را از بین همسالان دوران کودکی خود انتخاب می‌کنند. اغلب کودکان و نوجوانان بر این باورند که دوستی رابطه‌ای دوطرفه است که هر دو نفر باید بدان پای‌بند باشند (هارتاپ و استیونس، ۱۹۹۹). برای مثال، یک کودک خردسال ممکن است به کودک همسال خود کمک کند تا با مکعب‌هایش خانه‌ای بسازد، یا یک کودک دستانی ممکن است به دوستش کمک کند تا تکالیفش را انجام دهد، و یک نوجوان ممکن است دوست همسالش را بهتر از پدر و مادر او نصیحت کند.

با گسترش روابط دوستانه بین کودکان و نوجوانان، مفهوم رابطهٔ متقابل هم شکل جدیدی به خود می‌گیرد و هر یک از دوست‌ها سعی می‌کنند در خوبی کردن به دیگری، پیشی بگیرند. مهارت‌های دوست‌یابی هم از جمله مهارت‌هایی است که باید از همان دوران کودکی آموخته شود تا جایگاه خود را

در زندگی کودک پیدا کند. مدرسه، با توجه به فضا و امکاناتی که در اختیار کودکان و نوجوانان می‌گذارد، می‌تواند شرایطی برای آن‌ها فراهم آورد که دوستی‌ها و روابط جمعی‌شان را صمیمانه‌تر و مستحکم‌تر کنند. برای مثال، دوستان می‌توانند در انجام تکالیف درسی به یکدیگر کمک کنند. آن‌ها می‌توانند در صورت غیبت، از دوستان صمیمی‌شان کمک درسی بگیرند و ... علاوه بر آن، دوستی برای آن‌ها شادی، خنده و نشاط می‌آورد. تحقیقات نشان می‌دهند کودکانی که دارای دوستی‌هایی با سابقهٔ طولانی‌تر بوده‌اند، برای حفظ و نگهداری دوستی‌شان بیشتر تلاش می‌کنند. هم‌چنین نوجوانانی که دوستان بیش‌تری دارند، کمتر از نوجوانانی که تنها یک دوست یا شمار اندکی دوست



در یافته‌اند که می‌توانند بسیاری از افکار، احساسات، عواطف و آرمان‌های شخصی‌شان را (اعم از آن دسته که موجب شادی و نشاطشان می‌شود، و آن دسته که ناراحتی و اندوه برایشان به همراه دارد) با دوستان صمیمی‌شان در میان گذارند. متأسفانه، زمانی که گروه به سوی کارهای بزهکارانه، رفتارهای خشونت‌آمیز و صدا اجتماعی روی بیاورد، ممکن است تک‌تک اعضای گروه را تحت تأثیر قرار دهد. فشارهای همسالان بین سنین ۱۸-۱۶ سالگی کم می‌شود و نوجوان دوباره به سمت خانواده و ارزش‌های حاکم بران متمایل می‌شود.

مدت زمانی که نوجوانان با دوستانشان سپری می‌کنند، در دوران کودکی و اوایل نوجوانی بیش‌تر است. نوجوانان

دارند، دچار مشکلات روان‌شناختی می‌شوند (لاد، ۱۹۹۰).

مهارت‌های لازم برای تداوم دوستی

والدین می‌توانند به منظور حفظ و تداوم روابط دوستانه کودکانشان، چند نکته اساسی زیر را به آنها بیاموزند (کوهن، ۲۰۰۰):

شریک شدن - کودکان باید یاد بگیرند که چگونه وسایلشان را با یکدیگر شریک شوند. آن گروه از کودکانی که بتوانند رفتارهای مشارکت آمیزتری با دوستان خود داشته باشند، بیشتر مورد توجه آنان قرار می‌گیرند. به همین دلیل، لازم است کودکان و نوجوانان مهارت‌های انتظار کشیدن، صبر کردن و خوب‌ستن‌داری را برای حفظ و تداوم دوستی‌شان بیاموزند. همچنین باید یاد بگیرند که برای مدتی از لذت بردن و بازی کردن با وسایلشان دست بکشند تا دوستانشان نیز بتوانند در نوبت خودش از بازی با آن وسایل لذت ببرد. برای مثال، بعد از ۵ دقیقه از تاب پیاده شوند تا دوستانشان تاب بازی کند.

اجازه گرفتن - کودکان هم‌چنین باید یاد بگیرند که هنگام برداشتن وسایل دوستانشان یا پیوستن به گروه آنان، اجازه بگیرند. آنها باید دریابند وقتی که قصد دارند با زور وارد گروهی شوند، بیشتر احتمال دارد با مخالفت بچه‌های آن گروه روبرو شوند.

کنار آمدن - یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که دوستی بین کودکان را پایدارتر می‌کند، احترام گذاشتن به یکدیگر است. به‌خصوص در دوران مدرسه که کودکان زمان بیشتری برای همکاری با یکدیگر و انجام بازی‌های گروهی در اختیار دارند، باید روش‌های کنار آمدن با یکدیگر را یاد بگیرند.

پیشنهاد دادن - یکی از مشکلات عمده‌ای که اغلب کودکان هنگام بازی دچار آن می‌شوند، این است که می‌خواهند همیشه رئیس و رهبر گروه باشند. اغلب اوقات نیز، کودکان رهبر توسط همه بچه‌ها مورد تأیید و حمایت نیستند. در این گونه موارد، پدر و مادر یا مربی می‌توانند کودک را تشویق کنند تا به جای این که بخواهد نظر خود را به دیگران تحمیل کند، نظر و عقیده خود را به آنها پیشنهاد دهد. اگر کودکی می‌خواهد که سایر کودکان بر طبق روش او بازی کنند، بهتر است به آنها بگوید: «چه‌طور است این‌طور بازی کنیم؟» نه این که آنها را بسا زور مطیع خود کند و بگوید: «باید آن‌طور که من می‌گویم، بازی کنیم.»

روش‌های جایگزین - کودکان نیز همچون بزرگسالان گاهی دچار عدم توافق و هم‌فکری با یکدیگر می‌شوند. آنها باید بتوانند هنگام بازی با سایر بچه‌ها شیوه‌های حل اختلاف را یاد بگیرند. اگر کودکی روند انجام یک بازی را دوست ندارد یا فکر می‌کند بازی منصفانه‌ای نیست، می‌تواند راه دیگری پیشنهاد دهد. این روش به کودکان کمک می‌کند تا دریابند

گاهی برای انجام بازی و کارهای گروهی، راه‌ها و روش‌های دیگری وجود دارد که نه تنها موجب تغییراتی در موقعیت می‌شود، بلکه کمتر هم موجب برانگیختگی، لجباجت و خشم سایرین می‌شود.

پیروز شدن - گاهی روحیه رقابت‌طلبی در کودکان خیلی شدت می‌گیرد. آنها مدام بازی می‌کنند تا اول شوند. در حالی که کودکان را باید تشویق کرد تا از سرگرم شدن و بازی کردن با سایر کودکان، لذت ببرند. از آنها نباید پرسید: «چه کسی اول شد؟» یا به نظر تو چه کسی برنده می‌شود؟ بلکه باید از آنها پرسید: «آیا از بازی با کودکان، لذت می‌بری؟» یا «بچه‌ها چطور بازی می‌کردند؟» در نظر داشته باشید، هنگامی که کودکی به شدت درصدد رقابت با کودکان دیگر است، از جمع آنها طرد

خواهد شد و هم بازی‌هایش را از دست خواهد داد.

پرورش روابط دوستانه

والدین و اعضای خانواده‌ها نقشی تعیین‌کننده و مؤثر در شکل‌گیری روابط دوستانه فرزندان خود دارند. به‌خصوص هنگامی که سن کودک کم باشد. برای مثال، کودکان خردسال برای دیدن و بازی کردن با دوستان خود وابسته به رأی و نظر والدین خودند. در حقیقت پدر و مادر و اعضای خانواده باید فرصت‌هایی برای آنان فراهم آورند تا مهارت‌های اجتماعی گوناگون خود را (از جمله توانایی دوست‌یابی) پرورش دهند. آنان می‌توانند با آموزش این گونه مهارت‌ها به فرزندان‌شان، نه آن‌ها کمک کنند تا روابط و تعاملات دوستانه خود را با کودکان دیگر گسترش دهند. یادگیری این نکات به او کمک می‌کند تا از ویژگی خود مرکز بینی خود بکاهد و بکوشد شرایط و موقعیت‌های مختلف را از دید دیگران بنگرد. کودک از طریق انجام بازی‌های گروهی با سایر همسن و سالانش می‌تواند به شباهت‌ها و تفاوت‌های بین خود و آنان پی ببرد. برای مثال، کودک در می‌یابد که دوستش نیز می‌تواند به خوبی او نقاشی بکشد، یا دوچرخه‌سواری کند، یا این که دوستش نمی‌تواند مثل او راحت کتاب بخواند و به کمک احتیاج دارد.

از جمله مهم‌ترین روش‌های دوست‌یابی و پرورش روابط دوستانه در کودکان می‌توان از لبخند زدن، خندیدن، سلام کردن، پیوستن به گروه، دعوت کردن کودکان دیگر به جمع، صحبت کردن، گوش دادن به حرف‌های سایرین، همکاری کردن، آراسته بودن، همدلی و مشارکت کردن نام برد. به بیان ساده، کودکان خردسال و پیش‌دبستانی ترجیح می‌دهند با کودکانی هم‌بازی و دوست شوند که شاد و خوشرو باشند و آن‌ها را به راحتی بپذیرند. والدین و اعضای خانواده‌ها می‌توانند برای ارزش نهادن به روابط دوستانه بین کودکان به چند نکته زیر توجه کنند (ابروین، ۱۹۹۸):

● اجازه دهید فرزندان‌تان دریابند که شما تا چه اندازه برای دوستی‌های آنان و نقشی که می‌توانند در زندگی آینده‌شان ایفا کنند، ارزش و احترام قائل‌اید.

● به رفتارهای اجتماعی فرزندان‌تان احترام بگذارید. برخی از کودکان یاد گرفته‌اند برای راحتی و آسایش دوستان خود نهایت تلاش و کوشش خود را به خرج دهند. گروهی دیگر زود جوش‌اند و می‌توانند سریع دوست پیدا کنند و گروهی دیگر ترجیح می‌دهند روابط دوستی‌شان را به تدریج بیشتر کنند.

● شرایطی برای فرزندان‌تان فراهم آورید تا بتوانند چند ساعتی از روز را با دوستان‌شان بگذرانند (به ویژه اگر کودکان خجالتی و کمروست)، برای مثال، دوستان فرزندان‌تان را به خانه دعوت کنید. یا آن‌ها را با هم به پارک ببرید تا ساعتی را با هم بازی کنند. حتی می‌توانید با خانواده‌هایی رفت و آمد کنید که کودکی

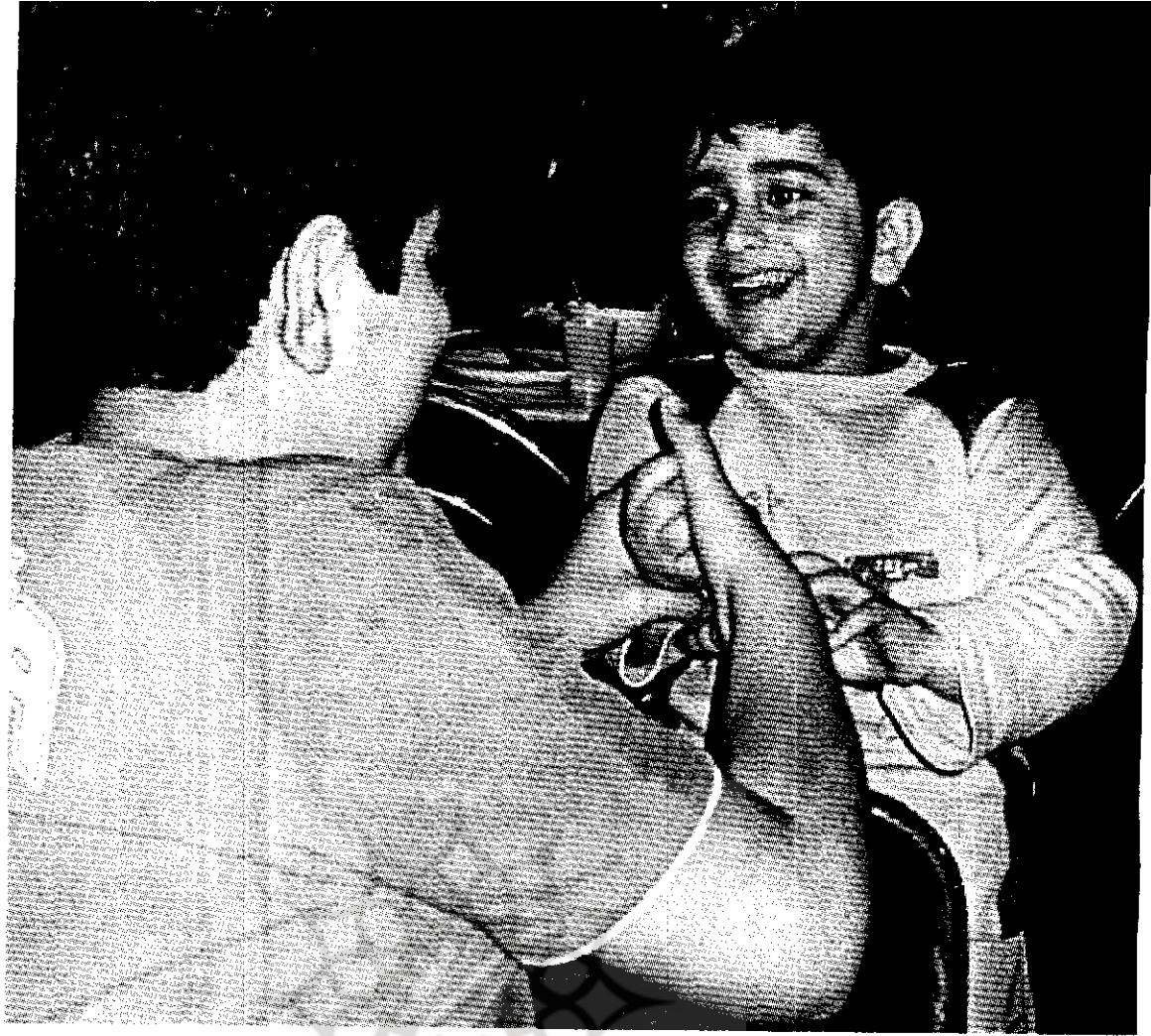
همسن و سال فرزند شما داشته باشند و از این طریق آن‌ها را تشویق کنید تا با یکدیگر بازی کنند. تحقیقات نشان می‌دهد پدر و مادرهایی که خودشان را به سرعت با اجتماع اطرافشان سازگار می‌کنند و دوستان بی‌شمار دارند، فرزندان‌شان نیز به همان میزان خودشان را درگیر فعالیت‌های گروهی می‌کنند.

● اگر فرزندان با یکی از دوستان خود مشکل دارد، او را تشویق کنید تا درباره آن با شما صحبت کند. شما نیز می‌توانید روش‌های حل مشکل و اختلاف را به او بیاموزید و از او بخواهید که بکوشد با استفاده از آن روش‌ها، روابط دوستی خود را دوباره سروسامان بدهد. کمک کردن به کودک برای یافتن راه حل مسئله، گامی مثبت و مؤثر برای حفظ روابط دوستی است؛ زیرا او یاد می‌گیرد که چگونه احساسات و رفتارهای هیجانی خود را بشناسد و آن‌ها را تحت کنترل درآورد. برای مثال، اگر روزی از دست دوستش عصبانی شد و دفتر او را پاره کرد، سعی کند که اگر دوباره در چنین شرایطی قرار گرفت، جلوی خشمش را بگیرد و مانع از بروز چنین رفتارهای هیجانی تند شود. او باید یاد بگیرد که به جای عصبانی شدن، علت ناراحتی خود را پیدا کند و با صحبت کردن درباره آن، مشکل را حل کند یا اگر روزی یکی از دوستان فرزندان‌تان سر او داد زد، بهتر است به فرزندان‌تان بگویید: «شاید دوست امروز روز خوبی نداشته است، بهتر است یک شناس دیگر به او بدهی»، تا این که به او بگویید: «مثل این که دوستت تو را دوست ندارد و نمی‌خواهد با تو دوست باشد».

اگر فرزندان‌تان زودرنج و حساس است و زود به گریه می‌افتد، به او کمک کنید تا روش دیگری برای پاسخ‌دهی به دوستان‌ش پیدا کند. بکوشید علت واقعی گریه او را پیدا کنید. به او یاد آور شوید که شما به این دلیل این کار را می‌کنید که نمی‌خواهید دوباره در چنین شرایطی او زود به گریه بیفتد. شما می‌توانید با نقش بازی کردن به کودک یاد بدهید که چگونه مانع از سرازیر شدن اشک‌هایش در لحظه‌های بحرانی شود.

● سعی کنید دوستان فرزندان‌تان را بشناسید. اغلب والدین زمانی که فرزندشان به مرحله نوجوانی می‌رسد، کمتر فرصت پیدا می‌کنند تا دوستان آن‌ها را بشناسند و خود را درگیر فعالیت‌های آنان کنند. در حالی که بهتر است با آن‌ها دوست شوید، درباره علائق و سرگرمی‌هایشان گفت و گو کنید و فعالیت‌های سالمی را برای گذران اوقات خود به آنان پیشنهاد کنید.

● روش دیگر برای کمک به کودک در فراگیری مهارت‌های اجتماعی و ارتباط برقرار کردن با دیگران، صحبت کردن درباره احساسات، عواطف و دیدگاه‌های کودک در شرایط گوناگون است. اگر پدر و مادر توانستند مشکل کودک را در دوست‌یابی پیدا کنند (برای مثال: رئیس بودن، برنده بودن...)، باید در این باره با او صحبت کنند و از کودک بپرسند که: «اگر بچه‌های



فرزندانشان دوستان خوب، خوش رفتار، راستگو و قابل اطمینانی داشته باشند. آن‌ها می‌خواهند فرزندانشان در عین آن که تحت حمایت و راهنمایی آن‌ها هستند، مستقل، آزاداندیش و اجتماعی نیز باشند. این امر محق نخواهد شد، مگر با کمک و راهنمایی‌های خود و اعضای خانواده‌شان که فرصت‌هایی برای رشد و فراگیری مهارت‌های اجتماعی کودکان فراهم آورند.

دیگر بخواهند همیشه رئیس یا برنده باشند، او چه احساسی خواهد داشت. والدین باید بکوشند بیشتر از ارزش‌های دوستی با کودکان، لذت بردن از بازی با آن‌ها و ... با فرزندشان صحبت کنند تا رئیس بودن و برنده شدن.

● روش دیگر برای آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، آشنا کردن آن‌ها با موقعیت‌های مختلف برای برقراری روابط دوستانه است. اگر فرصت دارید بهتر است بنشینید و بازی کودکان را با یکدیگر تماشا کنید تا بتوانید از لایه لای بازی آن‌ها ایده‌های جدیدتری برای گسترش روابط دوستی‌شان پیدا کنید. برای مثال، هنگامی که کودکان شروع به بازی با یکدیگر می‌کنند، بکوشید آن‌ها را تشویق کنید تا به جای «دستور» دادن، به یکدیگر «پیشنهاد» بدهند. در نظر داشته باشید که رفتارهای کودکان به یک باره تغییر نخواهند کرد و لازم است شما چندین بار درباره شکست، ناکامی و موفقیت با فرزندتان صحبت کنید تا بتوانید به نتیجه‌ای مطلوب برسید.

والدین و اعضای خانواده‌ها بهترین آموزگاران کودکان برای آموزش مهارت‌های اجتماعی اند. آن‌ها به کمک بزرگترهایشان احتیاج دارند تا دریابند چه کاری درست و چه کاری غلط است. آن‌ها همچنین به حمایت‌ها، دلگرمی‌ها و تشویق‌های والدین خود برای تحکیم و پایداری روابط دوستی‌شان نیاز دارند. بدیهی است، همه پدرها و مادرها می‌خواهند

منابع:
- HARTUP, W. W. & STEVENS, N. 1999, FRIENDSHIPS AND ADAPTATION ACROSS THE LIFE SPAN, CURRENT DIRECTION IN PSYCHOLOGICAL SCIENCE.

- ROSE, A.J. & ASHER, S.R., 2000. CHILDRENS FRIENDSHIP. IN CLOSE RELATIONSHIP: A SOURCEBOOK. THOUSAND OAKS, CA: SAGE PUBLICATIONS.

- LADD, G. W., 1990, HAVING FRIENDS, KEEPING FRIENDS, MAKING FRIENDS AND BEING LIKED BY PEERS IN THE CLASSROOM: PREDICTORS OF CHILDREN'S EARLY SCHOOL ADJUSTMENT. CHILD DEVELOPMENT.

- COHEN, C. (2000). RAISE YOUR CHILD'S SOCIAL IQ: STEPPING STONES TO PEOPLE SKILLS FOR KIDS. SILVER SPRINGS, MD: ADVANTAGE BOOKS.

- ERWIN, PHIL., 1998, FRIENDSHIP IN CHILDHOOD AND ADOLESCENCE, ROUTLEDGE PUB.

۳۱